

چراغ - صفحه ۱۱۹

#تاریخ ادبیات:

نورالدین عبدالرحمن جامی: صفحه‌ی ۱۷۴ کتاب درسی

#معنای لغات:

سبو: کوزه‌ی سفالی / به چه کارت می‌آید: به درد تو نمی‌خورد، برای تو مفید نیست / از بهر: به خاطر، برای / کوردلان: انسان‌های بی‌بصیرت و نادان / تاریک اندیش: گمراه، بداندیش / تنه نزنند: برخورد نکنند، ضربه نزنند

#معنای نثر:

شخص نابینایی، در تاریکی شب، در حالی که چراغ در دست داشت و کوزه‌ای سفالی بر دوش، از راهی عبور می‌کرد. شخصی به او گفت: تو که نمی‌توانی چیزی را ببینی، پس چراغ به چه دردت می‌خورد؟ (چراغ برای تو فایده‌ای ندارد). گفت: چراغ برای انسان‌های نادان و گمراهی می‌باشد تا (آنها مرا ببینند و) با من برخورد نکنند و کوزه‌ی مرا نشکنند.

#نکات دستوری:

یکی او را گفت = یکی به او گفت ⇐ را ← حرف اضافه / به چه کارت آید = به چه کار تو می‌آید ⇐ ت ← ضمیر پیوسته دوم شخص مفرد

نوع نثر: مسجع